

ایسکرا

۸۰۶

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

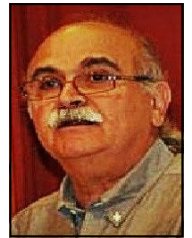
سردبیر عبدالگیریان

۲۷ آبان ۱۳۹۴، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۵

Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵ تلفن تماس با ما

با پرچم جنبش چارلی ابدو باید به جنگ تروریسم اسلامی رفت

اجتماعی - اقتصادی کلانی مربوط میشود (تحت الشعاع مخالفت ساده همه نیروهای دموکرات که در یک جنگ بیرحم با نیروهای تروریست استفاده اند قرار میگیرد. ...



حمید تقویانی

نباید هیچ "درک عمیقتری" از تروریستهای داعش (به این معنا که "اقدام اسفبار آنها در عین حال عکس العملی به دخالتگری وحشیانه اروپا است") وجود داشته باشد. داعش باید همانطور که هست معرفی بشود: همتای اسلامی- فاشیست راسیسم ضد پناهنده اروپائی- این ها دو روی یک سکه اند. بیائید به مبارزه طبقاتی بپردازیم- تنها راه این کار تاکید بر وحدت جهانی است. شمار شدگان است." صفحه ۲

"در نیمه اول ۲۰۱۵ اروپا درگیر یک جنبش رهائی بخش رادیکال (سیریزا و پودموس) بود. در نیمه دوم توجه ها به موضوع "انسانی" پناهندگان معطوف شد. مبارزه طبقاتی بسادگی عقب رانده شده و با مفهوم لیبرالی انعطاف و همبستگی جایگزین شد. با کشتار تروریستی پاریس در روز جمعه ۱۳ نوامبر حتی این موضوع (که به مسائل

آزادی شنگال

اشغال شد.

شنگال از وجود مشتکی از عناصر فاشیستی و اسلام سیاسی داعش آزاد شد. زندگی مردم در شنگال وارد دوره جدیدی شده است. مردم این منطقه و شهر شنگال با نیروهای پیشمرگ، توسط داعش



نسان نودینیان

صفحه ۲

زنان بی حجاب و خودروهای ممنوع الخدمت در رژیم اسلامی



امیر توکلی

در مورد کشف حجاب داخل خودرو، خودرو به پارکینگ منتقل و رسیدگی قانونی انجام خواهد شد.... طی یک هفته گذشته حدود ۱۰ هزار خودرو در این خصوص تذکر گرفته اند و بیش از دو هزار خودرو کلاسه و پرونده شدند که این موارد در حال رسیدگی

"ایرنا: منتظرالمهدی، سخنگوی نیروی انتظامی به زنانی که در خودروهای شخصی خود «کشف حجاب» می کنند، هشدار داده است که خودروی آنها توقیف و «ممنوع الخدمت» خواهد شد. «در صورت مشاهده پلیس های راهبر و امنیت اخلاقی

صفحه ۲

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

افزایش حاشیه نشینی در کرمانشاه

فرماندار کرمانشاه می گوید در حال حاضر ۳۳۰ هزار تن در مناطق حاشیه نشینی این شهر زندگی می کنند. جمعیت کرمانشاه در سال ۹۰، ۸۵۱ هزار و ۴۰۵ نفر اعلام شده است.

مرزی بوده و مأموران هنگ مرزی نیز بدون هیچگونه اخطار قبلی به او شلیک کردند و جانش را گرفتند. گزارش حاکیست که سعید جمالی امسال سربازی را به اتمام رسانده بود و با مبلغ ناچیز ۵۰ هزار تومان، با کولبری در مرز قصرشیرین امرار معاش می کرد.

سعید جمالی بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران انتظامی جان خود را از دست داد.

این تیراندازی در مناطق مرزی حومه قصرشیرین در استان کرمانشاه به وقوع پیوسته است. سعید جمالی ۲۱ سال سن داشت. این جوان با خرید یک گالون نفت سفید، مشغول کولبری از مناطق

یازدهمین روز اعتصاب کارگران سد چپرآباد اشنویه کارگران سد چپرآباد اشنویه حدود ۱۱ روز است که بعلت وعده های توخالی مسئولان و کارفرمایان سد عملاً دست از کار کشیده اند و با اعتصاب خود خواستار دریافت حقوق و مزایای ۹ ماه گذشته

صفحه ۳

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

نیروهای اقلیم کردستان، پ ك ك، نیروهای کردستان سوریه، گروه مسلح زنان شنگال با همکاری هوائی نیروهای ائتلاف علیه داعش در آزاد سازی شهر شنگال شرکت داشته اند. گرچه اخبار ضد و نقیض از تلفات طرفین داده می شود اما گفته می شود که جنازه

شنگال از دست داعش رهایی یافت! بعد از بیش از یکسال از کنترل جنایتکاران داعش بر شهر شنگال و مناطق آن، روز جمعه ۱۳ نوامبر و بعد از دو روز درگیریهای شدید نظامی این شهر ایزدی نشین از دست داعش رهایی یافت. گفته می شود که بیش از ۷۵۰۰ نفر از

صفحه ۶

از صفحه فیسبوک نشریه ایسکرا دیدن کنید

<https://www.facebook.com/iskara.wpi/>



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

با پرچم جنبش ...

از صفحه ۱

این بخشی از نوشته طولانی ژرژک فیلسوف مشهور مارکسیست است تحت عنوان "بعد از حمله پاریس چپ باید به ریشه های رادیکالیسم غربی خود بازگردد". در این نوشته نکات قابل نقد زیادی هست اما قصد من پرداختن به همه آنها نیست، بلکه میخواهم همین نکته ضرورت بازگشت به ریشه های رادیکالیسم غربی ومفهوم مشخص آن در شرایط حاضر را توضیح بدهم. یکی از تحولاتی که نشانه بازگشت چپ - و آنهم چپ اجتماعی و نه صرفا سازمانها و نیروهای چپ- به ریشه های رادیکالیسم غربی بود - و در نوشته ژرژک از قلم افتاده است- جنبش "من چارلی هستم" بود که تمام اروپا - و تا حدی جهان- را در بر گرفت. این جنبش است که نیمه اول ۲۰۱۵ را به نیمه دوم وصل میکند. پاسخ ترور اخیر داعش را مردم از قبل، در جنبش من چارلی هستم، داده بودند.

ترور نویسندگان و کاریکاتورستهای چارلی ابدو به "جرم" نقد و هجو اسلام با موج وسیعی از دفاع و اعلام حمایت توده مردم از آزادی بیان و آزادی نقد و هجو مذهب پاسخ گرفت. این يك پاسخ رادیکال و ریشه ای نه تنها به نیروهای اسلامی بلکه به تزه های ظاهرا لیبرالی نظیر نسیت فرهنگی و مالی کالچرایسم بود. قبل از شکل گیری موج همبستگی با پناهندگان از جانب توده های مردم اروپا، مردم با دفاع از آزادی نقد مذهب با "آن روی سکه" یعنی نظرات و سیاستهای مالی کالچرایستی نسیت فرهنگی و انعطاف پذیری و تحمل فرهنگ دیگران که ژرژک بعنوان نظرات لیبرالی به آن رجوع میکند

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستهای باایمان شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب ملیونیا کارگری است که کار میکند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی نان سرکوب شده است! این حزب صدای ملیونیا کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را واژه است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت نموده اند. صدای کودکان محروم نموده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به آن فروسی ناچار میکند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید، دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت، هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق نوراهانسان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ خوش و بهره کس و جنایت و سرکوب آفتب منتخوری مهر پایان خواهد گوید!

از صفحه ۱ آزادی ...



کوهی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی درگیر شده اند. صدها نفر از آنها جان خود را از دست داده اند. ده ها نفر از زنان شهر شنگال با قوانین اسلامی بفروش رسیده اند و مورد تجاوز اسلامی ها قرار گرفته اند. چندین گور دسته جمعی کشتار زنان توسط داعش تاکنون کشف شده اند. مال و دارایی هزاران نفر از

از صفحه ۶ زنان بی حجاب و...



انسانی اش است." رژیم اسلامی باز هم مزاحمت بیشتری را با دستور فرمانده ناجا برای شهروندان تهرانی بویژه زنان ایجاد کرده است. کنترل شبانه خودروها در خیابانها و شکار زنان جسوری که یا بی حجابند و یا بی اعتنا به رعایت آن هستند. طبق آمار خودشان دوازده هزار مورد تذکر و پرونده سازی طی یک هفته، از یک طرف نشانگر اسلامی نبودن جامعه ایران است و از طرف دیگر نمایانگر استیصال و بن بست رژیم اسلامی در پیاده کردن قوانین ضد

در شنگال کودکان باید دارای مدرسه شوند. بیمارستان و امکانات پزشکی و معالجات جسمی - روانی مردم باید ایجاد شود. محل های مسکونی آباد باید شوند. مردم آواره باید با بیشترین احترام و با پوشش حمایتی مالی مجددا در شنگال مستقر شوند. امنیت مالی و جانی مردن شنگال باید تضمین شود.

شنگال و مردم این شهر برای مردم در سراسر دنیا شناخته شده هستند. مردم از ساکنان شنگال و علیه وحشیگری داعش در سطح بین المللی حمایت کردند. دخالت نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی حقوق بشر"یو ان" در شنگال امری مهم و حیاتی است. شنگال آزاده شده باید آباد

های سنگین رژیم اسلامی ناتوانی اش در اسلامی کردن جامعه و حجاب دار کردن زنان است. رژیم که با شعار یا روسری یا تو سری جامعه را از سالهای ۵۷ و ۵۸ در چنگال خود اسیر کرده در تقلاست تا با فشار بر زنان شکست اش را در مساله اتمی و در حل مشکلات لاینحل اقتصادی، اجتماعی جبران کند.

اما جامعه وارد دوره جدیدی شده است، رژیم پوشالی اسلامی با قوانین عصرحجری اش توان رد کردن این بیچ تاریخی را ندارد. ۱۲ هزار تذکر و پرونده سازی طی فقط یک هفته نشانه ای از این دوره جدید است. مشخصات زندگی امروز، توقعات، خواستها و نیازهای جامعه امروز ایران میرود تا با انقلابی دیگر که زنان جسور و شجاع در راس آن هستند، تار و پود قوانین اسلامی را در آتش عطش زندگی انسانی، برابر و مدرن بسوزاند.

چگونه با
حزب کمونیست کارگری ایران
فعالیت کنیم

انستراتژی حزب کمونیست کارگری ایران
مجموعه ۱۳۳۳

نگاه هفته: مجموعه اخبار ...

از صفحه ۱



هستند. به گزارش کردپرس، (احمد.م) یکی از کارگران شاغل در این سد در عصر روز دوشنبه (۱۸ آبان ماه) در يك گفتگوی تلفنی گفت: "با توجه به اینکه از اسفندماه سال گذشته تا کنون حتی يك ریال هم بابت حقوق و دستمزد از مسئولان سد چپرآباد اشنویه دریافت نکرده ایم تصمیم گرفتیم که دست به اعتصاب بزنیم و موضوع را رسانه ای نمائیم." وی ادامه داد: "کارگران سد چپرآباد اشنویه حدود ۱۱ روز است که بعلت بدقولی های مسئولان و کارفرمایان سد عملاً دست از کار کشیده اند و با اعتصاب خود خواستار دریافت حقوق و مزایای ۹ ماه گذشته هستند".

آزادی معلمان زندانی از زندان!

بنا به گزارش روابط عمومی انجمن صنفی معلمان کردستان رامین زندانی معلم و فعال صنفی سندیجی به همراه همسرش پروین محمدي روز ۲۶/۸/۹۴ به قید وثیقه از زندان آزاد شدند. انجمن صنفی معلمان کردستان ضمن تبریک این رویداد به معلمان کردستان و همچنین خانواده آقای زندانی و پروین محمدي، از همه دوستان و همکارانی که به هر نحوی در این مدت جهت آزادی ایشان تلاش و همکاری نمودند و بویژه همکارانی که با حضور خود در مقابل زندان از آنها استقبال نمودند کمال تشکر و قدردانی را دارد.

با حضور بیش از هزار نفر از کوهنوردان، فعالان زیست محیطی و مردم طبیعت دوست سندیج در مراغه سوخته آیدر بذر پاشی به عمل آمد.

این فعالیت زیست محیطی از سوی کانون کوهنوردان سندیج برنامه ریزی شده بود و چهار نقطه کوه آیدر که پوشش گیاهی آن در آتش سوزی های اخیر از بین رفته بود، با هدف احیای این نواحی، حدود ۲ تن بذرپاشی انجام شد. در بذرپاشی آیدر از بذرهای ترکیبی نظیر لو،

ماشک، خمام، توت باد، یونجه و خاشه استفاده شد و نیز بیش از ۱۵ انجمن فرهنگی و گروه خودجوش اجتماعی در به انجام رساندن آن شرکت داشتند. برنامه "زخم های ناسور آیدر" با سخنرانی دکتر خسروی و دکلمه شعر از سوی خالد عباس روح الهی افتتاح و با جمع آوری زباله های مسیر آیدر پایان یافت. از دیگر سو، تعدادی از دوستداران طبیعت با صعود به ارتفاعات ۲۵۰۰ متری برکبود در دهستان "چله" شهرستان گیلانغرب بیش از ۵ هزار بذر درختان بلوط و بنه در مناطق جنگلی که چندی قبل به علت آتش سوزی طعمه حریق شدند را کاشت نمودند. این برنامه که همزمان با آیدر سندیج در روز جمعه گذشته برگزار گردید، هدف از آن احیاء درختان بلوط و بنه آسیب دیده در ارتفاعات برکبود عنوان شده است.

نامه ای از بهنام ابراهیم زاده

به گزارش رادیو فرهنگ بهنام ابراهیم زاده گفت: "در کمتر از دو ماه جامعه کارگری دو تن از بهترین پیشروان فعالین کارگری، شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده را از دست داد، اکنون با انتشار پیام تسلیت ما سه تن از فعالین کارگری محمد جراحی، مهدی فراهی شانديز و بهنام ابراهیم زاده، عده ای با تفسیرهای غلط و جهت دار سعی در تخریب چهره های کارگری دارند. اول اینکه هیچ قصد و غرضی و حس انسانی را در پیام تسلیتمان نداشته و نداریم و معتقدیم کوروش بخشنده عزیز يك سوسیالیست واقع گرا و هوشمند بود نه انسانی متوهم و خیال زده.

مرگ این دو فعال کارگری با گرایشات کاملاً مارکسیستی دوستان را به واکنش واداشت، با کمال تأسف باید گفت عده ای محدود که به هیچ اصول و منطقی پایبند نبوده و همواره دیگران را در مظان اتهام های واهی و بی اساس قرار می دهند و شرافت قلم را لگدمال می کنند بدیهات و شان و کرامت يك فعال چپ کارگری و زندانی سیاسی را نادیده گرفته و کینه جوانی به از روی نادانی و یا در راستای اهداف

دشمنان جنبش کارگری (وزارت اطلاعات) به شکل تخریب کننده ای در فضای سایبری بر علیه فعالین صادق و پیش رو کارگری اقدام به تخریب و جوسازی و شانناژ می کنند و قدم بر می دارند.

این افراد گماشته شده در کمال بی شرمی پا از این فرا گذاشته و حتی بر علیه فعالین کارگری که سالهاست در زندان و زیر فشار بسر می برند و با حاکمیت مماشات نمی کنند، جوسازی و شانناژ می کنند. کوروش بخشنده عزیز فعال کارگری و يك سوسیالیست پیشرو و از نیز از تنگناها و موانع تعصب های کور و انجماد ها و بی اخلاقی ها را خوب می شناخت و حتی گاه از آن ها زخم بر تن داشت.

در شرایطی که طبقه کارگری به وحدت و ایجاد يك جبهه متحد سراسری نیازمند است و این وحدت قبل از هر چیز وحدت فکری و سیاسی است حالا عده ای چپ نما همان دشمنان طبقه کارگر در مقابل فعالین صادق جنبش کارگری و اعضا و گروه های مدافع حقوق کارگران ایستاده اند و می خواهند این اتحاد و همبستگی را به هم ریخته و مانع تراشی کنند. اینان فعالیت تفرقه جویانه خود را زیر پرده ای از سخنان دورویانه و عوام فریبانه که گویا مدافع حقوق طبقه کارگر هستند می پوشانند، از این رو باید سواستفاده و نیرنگ آمیز آنان را از این شعار بزرگ بر ملا گردد و در پیشانی آنان همچون ویرانگران وحدت و تخریب کنندگان طبقه کارگر داغ ننگ زده شود.

من زندانی سیاسی بهنام ابراهیم زاده بعنوان يك فعال چپ کارگری که همواره به آرمان های چپ و سوسیالیست وفا دار بوده ام و این وفاداری را با مقاومت و پایداری و مماشات نکردن با حاکمیت به اثبات رسانده ام اکنون در کنار تمام سختی ها و تهدیدها و محکومیت ۸ ساله و بیماری فرزندم بجای همدردی و حمایت از خانواده و امید دادن به آن ها هر چند گاهی از زندان باید بشنوم که فلان شخص بر علیه شما و در راستای تخریب من و دیگر فعالین صادق کارگری مطلبی را نوشته اند و منتشر کرده اند، واقعا خجالت آور و شرم آور است و اوج بی اخلاقی که در فضای مجازی، رسانه ای و سایبری و محفلی بجای

دفاع به تخریب افراد کارگری و سیاسی پرداخته شود که سالهاست سرسختانه بخاطر وفاداری به آرمان های شان بسر می برند.

فرجام سخن اینکه راستی اینان از خود پرسیده اند خانواده بهنام در چه وضعیتی بسر می برند؟ آیا از این همه تهدید و فشار و احضار پدر پیر بهنام هر چند گاهی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات خبر دارند؟ راستی شما جز کوبیدن و تخریب دیگران و سنگ اندازی جلوی پای نیروهای دلسوز و متعهد و صادق که کار رسانه ای و خبری را پیش می برند کار دیگری هم بلد هستید؟ راستی شما چه قدمی برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری و دلجویی از خانواده های شان برداشته اید؟؟؟؟...

اسعد (بهنام) ابراهیم زاده
ویلاگ نویس، فعال کارگری و کودک و از اعضا کمیته پیگیری و ایجاد تشکل های آزاد کارگران.
زندانی رجایی شهر، آبان ماه ۱۳۹۴

اعترافات يك مقام بلند پایه حکومتی درباره اوضاع فاجعه بار کارگران

مطابق مطالب منتشره توسط خبرگزاری شبه حکومتی ایلنا خبریا کد ۳۱۲۰۲۴ و ۳۱۹۴۹۸، حسین کمالی که یکی از مقامات بلند پایه ی حکومتی ایران بوده و هست زبان به اعتراف درباره ی اوضاع فاجعه بار معیشتی کارگران در ایران گشوده است. حسین کمالی، در دولت های ششم تا هشتم وزیر کار و همچنین درسه دوره نخست مجلس، نماینده مجلس از تهران و همزمان دبیر کل تشکل ضد کارگری "خانه کارگر" بوده و هم اکنون نیز دبیر کل تشکل ضد کارگری موسوم به "حزب اسلامی کار" و همزمان مشاور رئیس تشخیص مصلحت نظام است. حسین کمالی میگوید (نقل به مضمون) که کارگران در چنین اوضاع اقتصادی و با وجود چنین مشکلات معیشتی در واقع زندگی نمیکنند، بلکه تنها زنده اند و دستمزد و قدرت خرید آنان پیوسته در حال کاهش است. وی اعتراف میکند که: اگر چه در کل جهان شکاف طبقاتی و فاصله ی بین "غنی" و "ضعیف" (فاصله طبقاتی) در حال افزایش است، اما شرایط برای کارگران در ایران از سایر نقاط دنیا وخیم تر و بدتر است.

کمالی که خود سالیان سال از قانون گذاران و مجریان ارگان ها و نهادهای دولتی و برای مدتی در راس تشکل های ضد کارگری بوده و هست و یکی از عوامل مستقیم و جدی سرکوب کارگران و فعالان کارگری، طی چند دهه اخیر بوده است، اعتراف میکند که نسبت درآمدی بین افراد مختلف جامعه، عددی بین ۵۰ تا ۱۰۰ برابر است. کمالی ضمن اعتراف به اینکه بودجه کلان حاصل از درآمد های نفتی، برخلاف گفته ی مسوولان که ادعا کرده بودند بین افراد جامعه تقسیم خواهد شد، تماماً نصیب افراد خاص و داراییان جامعه شده است. وی همچنین به سیاست های فریبنده ی مبارزه با مفاسد اقتصادی می پردازد که به هیچ عنوان به این نتیجه منتج نشده که ثروت های عمومی جامعه حتما از لیست ۹۰۰۰ نفره ی بدهکاران عمده ی سیستم بانکی باز پس گرفته شود. کمالی با اشاره به آمارهای اعتیاد، اوضاع سخت معیشتی معلمان، بیمه های ناکارآمد اجتماعی و از جمله نقص جدی بیمه بیکاری کارگران و موارد بسیاری از این دست در واقع به بخشی از اوضاع فلاکت بار طبقه کارگر ایران اعتراف کرده است. اگر چه نامبرده پس از اعتراف به اوضاع فلاکت بار معیشتی کارگران تلاش میکند راه حل را در تقویت جناح سیاسی طلب اصلاح طلب و کمک به تقویت جایگاه آنها در مجلس خلاصه کند اما کارگران و فعالان کارگری نیک میدانند که کمالی و جناح متبوعش همچون رقبای اصولگرای آنها تنها در بزنگاه های انتخاباتی دست به افشای سیاست های اقتصادی یکدیگر میزنند تا بلکه از این رهگذر بتوانند برای کسب رای بیشتر و در نتیجه تامین منافع ضد کارگری خود توفیق بیشتری کسب کنند.

کارگران و فعالان کارگری به خوبی با ماهیت ضد کارگری تشکل های چون "خانه کارگر" و "حزب اسلامی کار" و تشکل های ضد کارگری متصل به آن ها همچون شورای اسلامی کار، انجمن های صنفی و امثالهم آشنا هستند و یگانه راه کسب منافع کارگری و طبقاتی خود را در تقویت و ایجاد

از صفحه ۳ نگاه هفته مجموعه اخبار ...

تشکل های مستقل کارگری و طبقاتی می دانند. در این راه جناح های مختلف سرمایه داری همگی با اتحاد و به شکل یکسان و شبیه به همی در سرکوب کارگران و فعالین کارگری و تشکل های مستقل رفتار کرده اند . کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن اعلام حمایت مجدد از کارگران و فعالین کارگری ای که در این راه مورد سرکوب قرار گرفته اند از تمامی کارگران و تشکل های کارگری می خواهد که برای کسب مطالبات طبقاتی و کارگری خود بیش از پیش در راستای تقویت اتحاد طبقاتی کوشا باشند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۲۲ آبان ۱۳۹۴

ویژه جعفر عظیم زاده! ایمیل ارسالی از یک کارگر زن بازنشسته: درباره اتهامات واهی به جعفر عظیم زاده.

من یک کارگزن بازنشسته تامین اجتماعی هستم وقتی خیراتهامات و مصادیق آنها را به آقای جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را شنیدم شوکه شدم که این انسان شریف که تمام دغدغه اش تنها و تنها دفاع از حقوق کارگران بوده چگونه این چنین حکم ظالمانه جهت داری را دریافت و برای اجرا شدن آن راهی زندان اوین میشود ، تعجب میکنم که این فرزند شریف و خلف ایران به کدامین گناه باید حکم ناعادلانه شش سال زندان را پشت سر بگذارد . اتهام اول اقدام علیه امنیت ملی : از کدام امنیت ملی سخن میگویند؟ کسانی که اموال کشور را به غارت و تاراج برده اند تنها حکمش پرداخت جریمه دو بیست هزار تومانی می شود که صندوق سازمان تامین اجتماعی رابه یغما برد و گویا بوجه آن صندوق ، ارث پدری آقای مرتضوی بود که حالا هم بازنشسته ها و شاغلین تامین اجتماعی اینگونه در فلاکت و بدبختی زندگی کنند! البته که نامش دیگر زندگی نیست و مرگ تدریجی جامعه کارگری است . کارگری که استثمار میشود بیشترین نیروی کارش را میدهد تا کمترین دستمزدی که سه بار زیر خط فقر

است را دریافت کند و اگر خود یا خانواده اش دچار بیماری شود که دیگر و مصیبتا .

بله آقای جعفر عظیم زاده برای دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان با صدای بلند دزدی افرادی که حمله کردن به صندوق زحمتکشان را اعلام تا به گوش جامعه برساند تا بلکه همراه بقیه شاکیان حقوق به یغما رفته را برمالکند، آیا این گناه اوست شما را خبر کند ای دولتمردان آیا اینگونه چپاول صندوق تامین اجتماعی حق کارگر است با کمترین دستمزد؟! تا سیل نشده به فکر زحمتکشان باشید نگذارید فاجعه عظیم بپا شود . ۲- برهم زدن نظم عمومی : کدام نظم عمومی را آقای جعفر عظیم زاده بر هم زده چون از حقوق کارگر که زیرخط فقر قرار دارد سخن گفته؟ از کارگران اخراجی که زیر فشار کارفرما تحت ظلم قرار گرفته و از سردرد مندی و استیصال ناچار به امضاء قرارداد های سفید میشود . ؟ تازه آن هم با بیشترین ساعت کاری ده تا دوازده ساعت و گرفتن حداقل دستمزد و این باعث شده کارگر از شدت فشار کار و زندگی دست به خودکشی زده یا سخته میکنند. آقای جعفر عظیم زاده برای دفاع از حقوق کارگران از زندگی خود گذشته بدون هیچگونه چشم داشتی حتی از حقوق خود گذشته. او فریاد شرایط فلاکتبار حداقل دستمزد بگیر زیر خط فقر بود حال جعفر عظیم زاده نظم عمومی را بر هم زده یا سعید مرتضوی و بابک زنجانی ها یا اون خاوری دزد چندصد میلیاردی که فرار کرد کانادا ما غارتگران کشور را فراموش نخواهیم کرد. ای دولتمردان! طبقه کارگر کارد به استخوانش رسیده است از ظلم و ستم روا داشته شده بر او . ۳- تبلیغ علیه نظام : چگونه یک کارگر زحمتکش صادق که حتی در صفحه سفید پرورده اش نقطه سیاهی وجود ندارد را این گونه متهم میکنید. به جرم صداقت و دفاع از محروم ترین طبقه کارگر و فقط از حقوق قانونی این طبقه زحمت کش مانند من و امثال من دفاع کرده تا واقعیت به گوش دولتمردان برسد. آیا دفاع از حقوق کارگران وتلاش برای افزایش

دستمزد و سطح معیشت زندگی و یا جمع آوری امضاء برای بیان خواسته های قانونی و برحق کارگران و اعتراض به نحوه افزایش مزد تبلیغ علیه نظام است ؟ این بگیر و ببندها تا کی میخواهد ادامه داشته باشد چرا نمیخواهید صدای در گلو خفته کارگران زحمت کش و محروم از حداقل زندگی را بشنوید، این کارگر فعال در دل چند صد هزار کارگر و زحمتکش جای دارد چون فقط از حقوق کارگران دفاع کرده و دزدان میلیاردی و کلاهبردان از تامین اجتماعی را افشا کرده. آیا واقعیت های دزدی از دسترنج طبقه کارگر را گفتن جرم است ؟ آیا با به بند کشیدن فعالین شاخص جنبش کارگری و معلمان مشکل را حل می کنید یا برمشکلات بیش از بیش افزوده خواهد شد ؟ جامعه در برابر این حکم های نا عادلانه وبه زندان افکندن کارگران و معلمین ایستادگی خواهد کرد و آرام نخواهد نشست و روزی چون سیل خروشان روان خواهد شد. من بعنوان یک کارگزن بازنشسته خواستار آزادی بدون قید و شرط آقای جعفر عظیم زاده و دیگر فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمانمان امثال آقا رسول بدایقی و دیگر عزیزان در بندهستم. یک کارگر زن بازنشسته ۲۵ آبان ۹۴

از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری!

کارگران! تشکل های کارگری! مردم آزادی خواه و عدالت طلب ایران و جهان! سرانجام جعفر عظیم زاده، دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، پس از تأیید حکم شش سال زندان خود توسط شعبه پنجاه و چهارم دادگاه تجدید نظر و به دنبال آن، ابلاغیه ی شعبه اول اجرای احکام کیفری دادسرای ناحیه ۳۳ زندان اوین، حاکی از معرفی نامبرده به این زندان، در روز یکشنبه ۱۷ آبان، برای تحمل دوره شش سال زندان خود، به دادسرای مستقر در زندان اوین مراجعه و به بند عمومی این زندان منتقل شده است. وی در نیمه شب روز دهم اردیبهشت ماه توسط نیروهای امنیتی در منزل خود بازداشت و پس از تحمل ۴۹ روز حبس در بند ۲۰۹ زندان اوین، با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی موقتاً آزاد شد. این فعال کارگری در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، به ریاست

قاضی صلواتی محاکمه و به اتهام "اجتماع و تبانی بر ضد امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام"، در مجموع به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است. حکم ۶ سال زندان برای جعفر عظیم زاده، ۹ سال زندان برای محمود صالحی و احکام سنگینی از این دست برای دیگر کارگران و فعالان جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی، آشکارا نشان از بغض و کینه انباشته شده و فرایند سرمایه داری حاکم، نسبت به این جنبش ها و به ویژه جنبش کارگری دارد. از نظر صاحبان سرمایه، کارگران و فعالانی که برای افزایش دستمزدهای تا چهار برابر زیر خط فقر، که همه ساله از جانب عوامل سرمایه و به اصطلاح "شورای عالی کار" (بخوان مجمع مدافع سرمایه و سرمایه داران) به کارگران تحمیل می شود، اعتراض می کنند؛ کارگرانی که حقوق و مزایای معوقه و پرداخت نشده ی خود را از کارفرمایان طلب می نمایند؛ فعالانی که خواهان امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت و سفید امضا به عنوان قراردادهایی اسارت بار و قرون وسطایی هستند؛ کوشندگانی از جنبش کارگری که جلوگیری از اخراج و بیکارسازی کارگران و هم طبقه ای های خود را وجه همت خویش قرار داده اند؛ کارگران آگاه و پیشرویی که برای برخورداری طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم از بیمه بیکاری و انواع بیمه های اجتماعی تلاش و کوشش می کنند و سرانجام کارگران و فعالانی که برای بهبود زندگی و معیشت این طبقه و رهایی میلیون ها کارگر از فقر و فلاکت و تیره روزی و در بدری و در یک کلام مناسبات نابرابر و نکبت بار سرمایه داری فعالیت و مبارزه می کنند و ... همگی مصلحت طلب و امنیت عمومی - که در واقع اسم رمز "امنیت و منافع مشتی سرمایه دار، برای بهره کشی و استثمار هرچه بیرحمانه تر کارگران است - به شمار آمده و باید به عنوان اقدام کنندگان علیه "نظم عمومی" و "امنیت ملی" با آن ها برخورد شود و برای سال های طولانی در کنج زندان ها محبوس باشند. این قبیل اعمال و رفتارها البته تازگی ندارند. طبقه سرمایه دار، به حکم ماهیت طبقاتی خویش، در طول تاریخ حیات خود،

همواره تلاش نموده است تا با توسل به انواع فشارها و تضيیقات، از جمله دستگیری و زندان و گاه حتی اعدام کارگران و فعالان آگاه و پیشرو این طبقه و این جنبش، و از این طریق ایجاد فضای رعب و وحشت، حتی المقذور کارگران را از پیگیری اهداف و خواست های خویش باز داشته، از تلاش و مبارزه برای به کرسی نشاندن آن ها منصرف نماید. دستگیری و زندانی کردن جعفر عظیم زاده و محمود صالحی و احکام صادره علیه بسیاری دیگر از کارگران، معلمان و فعالان دلسوز و مخلص کارگری، همچون شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده و بسیاری دیگر را که حتی جان خود را در این راه گذاشته اند، تنها می توان در این راستا ارزیابی نمود. از نظر سرمایه داران و عوامل آنان، کارگران آگاه، معلمان، پرستاران و فعالین این جنبش ها که خواهان از میان برداشتن مناصب و معضلات عبیده نظام سرمایه داری همچون فقر، بیکاری، فحشا، گرانی، بی خانمانی و مصائبی از این دست، مبارزه می کنند و برای تحقق آن ها، از جمله حق ایجاد تشکل و حق اعتصاب، و سایر حقوق سیاسی و اجتماعی کارگران دفاع می نمایند، باید به عنوان "اخلال گر" و افرادی که علیه "نظم و امنیت ملی" اقدام می کنند از حرکت بازداشت و به کنج زندان ها افکند. کارگران و فعالان کارگری ای چون جعفر عظیم زاده، محمود صالحی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، هادی تنومند، جمال مینا شیری، محمد کریمی، قاسم و ابراهیم مصطفی پور، حسن رسول نژاد، رسول بدایقی، اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، محمود بهشتی، هاشمی که با چنین اتهامات و بهانه هایی روانه زندان شده، یا در معرض اجرای حکم زندان هستند، در واقع توان دفاع و حمایتشان از طبقه کارگر و جنبش کارگری و مطالبات برحق آن ها را پس می دهند . کارگران آگاه و وجدان های بیدار و عدالت طلب جامعه خود شاهد بوده اند که عوامل سرمایه طی این سال ها، چگونه با تشدید فشار و سرکوب و ایجاد فضای پلیسی و امنیتی و در این راستا تهدید، احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران پیشرو، معلمان آگاه، فعالین کارگری

از صفحه ۴ نگاه هفته مجموعه اخبار ...

و فعالان دیگر جنبش های اجتماعی، سعی در مرعوب کردن کارگران و مردم به جان آمده نموده و در جهت متوقف کردن طبقه کارگر و مردم ستمدیده از پیگیری خواست ها و مطالبات برحق آنان در عرصه های مختلف، از جمله انحلال تشکلهای مستقل و متکی به خود کارگران، از هیچ کوششی فروگذار نکردند. تا آن جا که بارها و بارها کارگران و فعالین کارگری را به بهانه های واهی از قبیل "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی"، "تجمع به قصد تباہی" و برجسب هایی از این دست به دادگاه ها و محاکم قضایی حامی سرمایه کشانده و به حبس ها و زندان های طولانی مدت محکوم نموده اند. اما تاریخ جنبش کارگری، متقابلاً گواه این حقیقت نیز بوده و هست که اعمال این گونه فشارها و سرکوب ها علیه کارگران آگاه و فعالین پیشرو و دلسوز کارگری هیچگاه نتوانسته و نمی تواند برای همیشه این جنبش و این فعالین را از تلاش و ممارست برای پیگیری خواست و مطالبات برحق کارگران و اقتضای زحمتکش مردم باز داشته و آن ها را از تلاش و فعالیت برای دستیابی به یک زندگی در خور انسان، که چیزی جز رهایی کارگران از ستم و استثمار سرمایه و ایجاد جامعه ای انسانی و برابر نیست باز دارد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم نمودن احکام صادره علیه جعفر عظیم زاده و دیگر کارگران و فعالان کارگری و اعلام حمایت از اهداف انسانی و برحق آنان، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این عزیز و دیگر کارگران و فعالان کارگری در بند بوده و به سهم خود از همه ی کارگران، تشکل های کارگری و مردم آزادی خواه و عدالت طلب ایران و جهان می خواهد که در حد توان از آزادی تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی دفاع نمایند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ۲۱ نوامبر ۱۳۹۴

معلم باز نشسته : بی نظمی حاصل مدیریت سرمایه داران است نه کارگران

جعفر عظیم زاده کارگر

جوشکار، برای گذراندن ۶ سال محکومیتش به زندان فرا خوانده شد... به چه جرمی؟ بر هم زدن نظم عمومی!!!!!!؟ ما کارگران جهان را ساخته ایم و نظم را در جهان ایجاد کرده ایم، نظمی که خودمان از آن بی نصیب میباشیم و سرمایه داران از آن سود میبرند و برای ما کارگران چیزی جز بی نظمی در توزیع ثروت، چیزی نمی گذارند. سرمایه داران چگونه میتوانند صحبت از نظم عمومی کنند، وقتی که در سراسر ایران بی نظمی حاکم است؟ از بی نظمی های اقتصادی، تا بی نظمی در صنعت مواد غذایی، بی نظمی در مدیریت بانکها، بیمه ها، بیمه تامین اجتماعی بطور اخص از کدامشان باید گفت؟؟؟ از نظمی که دانش اموزش به خاطر پولی که از او خواسته و پدر بیکارش ناتوان از دادن پول، به زندگی خود پایان میدهد و خود را حلق اویز میکند، از خود سوزی کارگر اخراجی در جلوی کارخانه بگیریم؟ اری ما کارگران اینهارا بی نظمی می دانیم و شما سرمایه داران را مسول این بی نظمی در جامعه میبینیم. و خود را مبرا از تمامی این اتهامات میدانیم. این سرمایه داری حاکم است که بر هم زنده نظم در جامعه میباید، نه کارگر سرمایه داری در ایران باگسترش بیکاری فقر، فحشا گرانی و اختلاس های میلیاردی درشت درشت بر هم زنده نظم میباید، نه کارگری که عمری را در تلاش و زندگی را به سختی میگذرانند. ما کارگران نه تنها این اتهامات را رد میکنیم، بلکه میگوییم: چرا ایران با داشتن این همه ثروت عظیم و منابع زیر زمینی، بیشتر مردمش زیر خط فقر میباشند؟ آیا این خود نشانگر بی نظمی در جامعه نیست؟ ان وقت کارگر را به این جرم متهم میکنید!!! طبقه کارگر ایران علیرغم فشارها، بیکاریها، داشتن سفره خالیها، طراح نظم در جامعه میباید، کسی نمیتواند مارا به بی نظمی ویر هم زدن نظم متهم کند، بی نظمی حاصل مدیریت سرمایه داران است، نه کارگران. اتحادیه آزاد

کارگران ایران

(ایمیل ارسال می)

اتحادیه آزاد کارگران ایران)

جعفر عظیم زاده کارگر جوشکار برای گذراندن ۶ سال زندان به اوین رفت!

آیا این دنیای وارونه نظام سرمایه داری ضد انسانی نباید نباشد؟ آیا کارگرانی همچون جعفر عظیم زاده که برای مطالبات حداقلی خود معترض می شوند، باید به ۶ سال زندان محکوم شوند؟ حداقل حقوقی که ماهها پرداخت نمی گردد. حداقل دستمزدی که چندین برابر زیر خط فقر قرار دارد. قراردادهای موقت که عدم امنیت شغلی است. نداشتن تشکل کارگری که از حقوق بدیهی کارگران به شمار میرود. سرکوب تجمعات، اذیت و آزار کارگران معترض تشکلی بی دادگاهای پی در پی برای محکومیت فعالین و نمایندگان کارگران، به زندان انداختن کارگران معترض و نمایندگان نشان همان وارونه بودن این نظام سرمایه داری و دولتشان است. کارگران تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی و هستی بخش جوامع انسانی جهانند. و شایسته یک دنیای بهتر برای همه انسانها. ما کارگران از تمامی سازمانها و اتحادیه های کارگری و دیگر سازمانهای مدافع حقوق بشر می خواهیم که برای آزادی کارگران زندانی، ما کارگران ایرانی را یاری دهند. کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد. کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران ۲۱ آبان ۹۴

جوانمیر مرادی:

کارگران و امنیت ملی!

روز ۱۷ آبان ۹۴ جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از فعالین سرشناس جنبش کارگری ایران برای گذراندن حکم ۶ سال زندان راهی زندان اوین شد. مجموعه فعالیتهای جعفر طی ده ساله گذشته در دفاع از حق حیات خود به عنوان یک کارگر و دیگر کارگران هم سرنوشتش، از سوی قاضی پرونده مصداق اقدام علیه امنیت ملی، اخلاص در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام تشخیص داده شده و بنابراین حکم ۶ سال زندان بر علیه او صادر کرده است. یکی از مؤخر ترین اقدامات جعفر ایفای نقش به عنوان یکی از هماهنگ کنندگان جمع آوری ۴۰ هزار امضاء کارگران در اعتراض به پایین بودن دستمزد

بوده است. این نمونه ای است از جرمهایی که کارگران مدام به خاطر شرایط اسفبار زندگیشان مرتکب می شوند و جعفر عظیم زاده هم به عنوان یک کارگر که هزاران مصیبت از جانب سرمایه داران بر او روا داشته شده است و به این وضعیت اعتراض داشته، مرتکب این گناه کبیره گشته است. طی ده ها سال گذشته کارگران زیادی به خاطر شرکت در اعتراضات نسبت به عدم پرداخت حقوقهای چندین ماه به تعویق افتاده یا پایین بودن سطح دستمزد و وجود دیگر مشکلاتی که کارفرمایان بانی آنها بوده اند، از سوی حراست و نیروی انتظامی و اطلاعاتی احضار، بازداشت و زندانی شده اند. کلام مشترک همه بازجوها در برخورد به کارگران بازداشتی، جمله هائی از قبیل به مخاطره انداختن امنیت ملی و اخلاص در نظم عمومی بوده. چرا باید کارگر به این موارد متهم شود؟ چه خصومت و بیگانگی ای میان کارگر و این نوع نظم و امنیت هست؟ آنچه که به تجربه می شود از معنا و مفهوم این جملات طی بیش از سه دهه گذشته فهمید، این است که ما دهها میلیون کارگر به همراه خانواده هایمان از دایره امنیت خارج بوده و نظم در زندگیمان رخت بر بسته است. ما حق ورود به این دایره را نداریم و اگر بخواهیم مشمول امنیت قرار بگیریم، امنیت ملی را به مخاطره می اندازیم! ما حق نداریم امنیت شغلی داشته باشیم، حق نداریم سرمایه دستمزد ۵ برابر زیر خط فقرمان را بگیریم، حق برخورداری از بیمه بیکاری، دستمزد بالای خط فقر، سرپناه مناسب، بهداشت و درمان نداریم، فرزندانمان به خاطر فقر و نداری باید از تحصیل باز بمانند و تبدیل به کودکان کار شوند تا گرفتار باندهای مواد مخدر و فحشاء گردند و به دلیل وجود این مصائب که از جانب سرمایه داری بر ما اعمال گشته، شیرازه زندگی یعنی همان نظم، از هم پاشیده و باعث فروپاشی زندگیاها، خودکشیها، اعتیاد، فحشاء و دهها بدبختی دیگر شود. اینها فقط گوشه ای از تاوانهای بی شماری است که کارگران باید برای حفظ امنیت و

منافع ملی بپردازند. امنیتی که خود کارگران خارج از آن قرار دارند و چنانچه خواهان برخورداری از امنیت و حفظ نظم و از هم نپاشیدن شیرازه خانواده هایشان شوند یعنی کار یا درمان بخواهند و به طور کلی بخواهند از یک شرایط انسانی برای زندگی برخوردار باشند، در تعارض و ضدیت با امنیت ملی قرار می گیرند و باعث اخلاص در نظم می شوند. وجود صدها هزار کارتن خواب، حاشیه نشین و کودکان کار که همگی از خانواده های کارگری ای هستند که یا کارشان را از دست داده و یا به خاطر کفایت نکردن دستمزدشان به چنین وضعیتهایی گرفتار شده اند، همه لازمه حفظ منافع و امنیت سرمایه های سرمایه داران است. باید این بخشهای وسیع و میلیونی جامعه از بدیهی ترین ملزومات زندگی، حتی از نان خوردن محروم شوند و هیچ امنیت و پناهی نداشته باشند و در عین حال صدایشان در نیاید تا سرمایه داران در آرامش و امنیت کامل به چپاول از کارگران و همه انسانهای کم درآمد که اکثریت جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، بپردازند. امنیتی که کارگران معترض به جرم به خطر انداختن بازداشت، محاکمه و زندانی می شوند، چیزی جز تعرض به منافع سرمایه داران و به هم خوردن آرامش آنها و فضائی که بتوانند کارگران را به وحشیانه ترین و قرون وسطائی ترین شیوه تحت فشار گذاشته و مورد بهره کشی قرار دهند، نیست. اگر غیر از این بود این کارگران هستند که به عنوان تولیدکنندگان و اکثریت انسانهای جامعه می بایست از هر حیث از امنیت برخوردار می بودند. واقعیت آن است که این کارگران هستند که امنیتشان همواره به خطر افتاده و نظم اداره زندگیشان دچار شدیدترین اختلالات شده است و بنابراین در واقع کارگران هستند که خواهان امنیت و وجود نظم می باشند. امنیتی که در آن شرایط زندگی انسانی برای همه انسانها تضمین و تأمین باشد و به آن نظم بپسند.

۲۰ آبان ۱۳۹۴

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...



ارزشی برای انسان قابل نیستند.

پیام زنان شنگال به حزب دمکرات!

در جواب به تهدیدات نیروهای حزب دمکرات علیه بقیه نیروهایی که در آزاد سازی شنگال نقش داشته اند و بویژه نیروهای پ ک ک ، گروه انجمن زنان ایزدی طی بیانیه ای خطاب به حزب دمکرات اعلام کرده است که: " ما تصمیم می گیریم که کی در شنگال بماند و کی برود ". در بخشی از اطلاعیه انجمن زنان شنگال آمده است که: " در آگوست سال ۲۰۱۴، ایزدیهها و بویژه زنان در مقابل درندانه ترین حمله دزدای داعش قرار گرفتند و به همین خاطر هم هزاران نفر به شیوه ای وحشیانه قتل عام شدند و صدها زن اسیر شدند. مقصر آن قتل عام عمومی، آنهایی بودند که قول داده بودند امنیت ما را حفظ کنند و همچنین متشکل نبودن خود ما". در قسمت دیگری از اطلاعیه انجمن زنان خطاب به حزب دمکرات آمده است: " برای اینکه مردم کردستان شما را ببخشند، تنها یک راه در پیش دارید و آنهم شرکتان در آزادی سازی شنگال است، شما این حق را ندارید که علیه هیچ نیروی در شنگال فرمان صادر کنید که کی بماند و کی برود".

گفتنی است که مسعود بارزانی برای جبران افتضاحات قبلی خود و حزب متبوعش در تسلیم کردن شنگال به داعش و فرار نیروهایشان در آگوست ۲۰۱۴، اینبار خود به شنگال رفته بود و ادعا کرده که رهبری عملیات آزادی سازی شنگال را بعهده دارد.

خطر درگیری میان پ ک ک و نیروهای اقلیم کردستان!

روز دوشنبه ۱۶ نوامبر، ملا بختیار رئیس دفتر سیاسی اتحادیه

بیش از ۳۰۰ نفر از نیروهای داعش بجا مانده است. در این میان و در گرماگرم آزادسازی شنگال و مناطق آن از دست داعش، حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی که گفته می شود کمترین دخالت را در آزادسازی شنگال داشته است، شروع به تهدید و خط و نشان کشیدن برای دخالت و یا ماندن و نماندن بقیه نیروهای دخیل در آزاد سازی شنگال کرد.

لازم به ذکر است که هنگام حمله داعش به شنگال دهها هزار نفر از مردم این دیار ناچار به فرار و آواره کوهها و بیابانهای اطراف شدند و چند هزار نفر از آنان نیز که توان فرار را نداشتند توسط جانیان داعش قتل عام شدند. همچنین مسله ربودن زنان شنگالی و استفاده های جنسی از آنان و حتی باز کردن بازار فروش زنان در شهر موصل و یا در شهرهای سوریه از جمله جنایاتی بود که از گور برخاستگان داعش علیه مردم بی دفاع این مناطق انجام دادند. حتی حملات هوای نیروهای ائتلاف علیه داعش بعد از مشاهده جنایات داعش و آوارگی دهها هزار نفره مردم این مناطق صورت گرفت. در آن هنگام نیروهای مسعود بارزانی که کنترل این مناطق را در دست داشتند، بدون کوچکترین مقاومتی آنها تسلیم داعش کردند و حتی آرزمان در بسیاری از خبرها آمده بود که آوارگی و کشتار مردم شنگال و فرار نیروهای تحت فرمان بارزانی توطئه ای از پیش طراحی شده بوده است. بهرحال گرچه آزادی شنگال از دست داعش به معنی آزادی کامل مردم این مناطق در داشتن زندگی آرام و شایسته انسام امروزی نیست، اما قطعاً کوتاه کردن دست داعش از این مناطق به معنی قدمی بسیار مهم در پایان دادن به دوره ای سیاه و خونبار از حاکمیت مشتکی قاتل و جنایت پیشه است که کوچکترین

مهینی در شهر سلیمانیه اعلام کرد که: " امروز نزدیک بود که در شنگال جنگ میان نیروهای پیشمرگ و گریلاهای پ ک ک شروع شود". ملا بختیار که در یک جلسه سیاسی صحبت می کرد توضیحات بیشتری در این باره نداد، اما از بدو آزادی شنگال کشمکش میان احزاب ناسیونالیست حاکم با نیروهای پ ک ک و طرفداران آنها شروع شده و تا هم اکنون چندین بار علیه همدیگر اطلاعیه های شدید الحن صادر کرده اند.

اعتراض دانشجویان دانشگاه شهر سلیمانیه ادامه دارد!

دانشجویان دانشگاه شهر سلیمانیه در ادامه اعتراضات خود روز ۱۳ نوامبر نیز دست به اعتراض زدند و خواهان رفع مشکلات رفاهی و پرداخت فوری حقوقهای خود شدند. اعتراض دانشجویان در این روز با دخالت نیروهای پلیس روبرو می شود و گفته می شود چهار تن از نیروهای پلیس که برای سرکوب دانشجویان به محوطه دانشگاه رفته بودند توسط دانشجویان زخمی می شوند. از طرف دیگر خساراتی به در ورودی دانشگاه وارد شده است. گفتنی است که هفته پیش نیز تعدادی از دانشجویان همین دانشگاه از اعتراض به ممنوع کردن اتومبیل هایشان به محوطه دانشگاه دست به اعتراض زدند و برای مدتی ورودی دانشگاه را بستند. گفته می شود که رئیس دانشگاه اخیراً تهدید کرده که دانشجویانی که در اعتراضات اخیر شرکت کرده اند، ممکن است تا یکسال از ورود به دانشگاه محروم شوند.

جنگ و درگیری در دوز خورماتو ادامه دارد!

روز ۱۴ نوامبر بعد از دو توافق میان نیروهای اقلیم کردستان و نیروهای داوطلب شیعه موسوم به "حشد شعبی"، جنگ و درگیری میان این نیروها هنوز هم ادامه دارد. جنگ و درگیری میان این نیروها زمانی آغاز شد که روز ۱۲ نوامبر نیروهای حشد شعبی با عبور از یک پست بارزوری نیروهای اقلیم و اهمیت ندادن به بازرسی آنان به سوی هم تیر اندازی می کنند و تعدادی کشته و زخمی می شوند.

بعد از این درگیری نیروهای حشد شعبی وابسته به جریانات اسلامی شیعه که از پشتیبانی رژیم اسلامی برخوردارند جنگ را به داخل شهر دوز خورماتو می کشانند که در نتیجه دهها نفر کشته و زخمی می شوند. همچنین گفته می شود که حشد شعبی در شهر مغازهای تعدادی از مردم کرد زبان را به آتش کشیده اند و نزدیک به ۷۰ نفر از مردم بی دفاع را با خود برده اند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. همچنین روز ۱۳ نوامبر هیئتی از طرف رژیم اسلامی برای میانجیگری به شهر دوز خورمتو آمده و در جریان مذاکرات این روزشان شرکت کرده. متأسفانه آنچه در یک هفته گذشته در شهر دوز خورماتو اتفاق افتاده آینه ای از اوضاع امروز عراق، تحت حاکمیت

گروههای قومی و مذهبی است که برای در قدرت ماندن و بدر کردن رقیبان خود از هیچ جنایتی فروگذار نیستند و تنها راه حل هم همانا پرچم و شعار نیست که این روزها و در ماههای گذشته بدرستی اکثریت مردم عراق در خیابانهای آن کشور با صدای رسا اعلام کردند " نه قومی، نه مذهبی، عدالت اجتماعی". در مورد دخالت رژیم جنایت پیشه اسلامی به اصطلاح " میانجیگری" آنها هم، همگان می دانند که یک پای جنگ و خونریزی نه تنها در عراق بلکه در تمامی کشورهای منطقه رژیم دزدان و قاتلان اسلامی است و اتفاقاً اگر مردم عراق و منطقه بخواهند که در امنیت و آسایش زندگی کنند یک قدم مهم و حیاطی کوتاه کردن دست این رژیم تروریست و جنایت پیشه است. *

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۲۶۰۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVTVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # HOFUAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!